

برای دبیرستانها

تحصیل علوم دیپلم بیش از همه پیش ترین و دلت می خواهد اما کتابخانی هست که مسدود کار مصلحت را آسان می کند. کتاب حل المسائل بروای مصلحت علم ریاضی در حکم داریه اعلانی است که راه حل هر مسئله ای را در آن هی بداند و دوست داشتنی است که با مشورت او هر مشکل را حل می کنند

حل المسائل هندسه

تالیف آقایان صفاری و قربانی شامل ۴۰۰ مسئله حل شده و ۴۲۴ شکل دارای ۲۸۰ صفحه از جای خارج شد و در تمام ایران انتشار یافته آ- ۱۱۷۲۱ شرکت نسیم علی اکبر علی و شرکاء

تقدیر از یک پیشنهاد

بدینویله از آقای دکتر چهادش بور مهر که در مقاله خطر ناگران خود و اطمانت بدن در نظر داشتن نهم مادی کمال مهارت و غوش قلبی را شناخته اند که طیش کنیده شده است می ساسکاری می سایم . روح الله ناظریان آ- ۱۱۷۲۹

بخوانندگان و علاقمندان روزنامه آفتاب - ادارات دولتی و وزارت تعاونه ها و بساطه اختلافی که در امور روزنامه آفتاب بطور موثر حاصل شده خاصاً دارد از پرداخت نه رفع وجه بهر منوان تا اطلاع نائسوی خودداری فرمایند که بد ها اشکالی تولید ننمود.

تکارنده و سر دبیر آفتاب - علی ذوقین قلم آ- ۱۱۷۲۱

آیا... میشناسمید...

محبوبی را که بارها امیر اطهار و معظم دنیا بیانش افتاده و خود را

محبوبی را که دو ثلث جمیعت دنیا بر طبق او جنک هیکر دند می شناسند

محبوبی را که مورخین در وقت قبض و رشارت ، سرآمد مردان دنیا میدانند

محبوبی را که مشون زنان زیابود در بسته آوردن قلو بشاند گوره را شکست می شناسند

محبوبی را که ۸۳ میلیون نفر که صفت جمیعت اروپا بیوده

حکومت پیکر می شناسند

خلافه هجبوبی را که هو گو شاعر معروف خراسانه در پاوه او نهی سروده است می شناسند

خواندن کار نویس و نویسنده کتاب چنگ روسی با سقوط بنادر را از روزنامه

فروشی ها خربزاری و مطالعه کرد ارزش (۲۰ ریال) گذاخته اقبال آ- ۱۱۷۴۴

بنابت قوت مردم آفاهیزدا و حمن (صدر سمعی) مجلس نایخوازه از ساعت ۳ الی پنج صد از ظهر شنبه ششم بهمن ماه جاری در مسجد مخدویه (سرچش) و ختم زمانه دهمنام موتم تزلیل آقای حسین خیاری داد آن مردمون (با انتظار کوچه صدقی الدویل شماره ۱۶) منعقد خواهد بود. اشاعه اخبار بستکان و دوستان از تقدیم خواست در غایه نهایت

مشایه نخواهد شد.

حسین سمعی ادیب السلطنه - حاج آقانور الدین رفیع

فترالسلطنه سمعی - سکنه حضرت سمعی - همدام صدر سمعی

حسین ضایی (ضیاء حضور) - سر هدایت احمد بخشان

زیرخواز - جلال صالحی سید رضی هستشاری - کمال صالحی

۲۰۱- ۱۱۷۰۳ بیامانه کان آنرخوم منصوصاً خانواده های محترم سمعی، ضایی،

شیخان، ذرخیز، صالح و مستشاری تسلیت میکنند

خانواده های کشاورزیان - هلق مدغی - رضوی - هفرداد

هاشمیان - گره احتی با یکدیبا تاسف قوت مردم خلاصه های کشاورزیان

را با استحضار شواشان و دوستان و شایان آنرخوم میر نماید.

محلس ترمیم روز دو شنبه هفتم بهمن ماه از ۱۳ تا ۵

پیازخوار در مسجد بعد مقدم خواهد بود مجلس ترمیم زمانه بیرون از

روز در منزل شخصی آمرخوم. این در اسایه خیابان خاکهور لوجه ناخواهد

و زیر دفتر بربا خواهد بود آ- ۱۱۷۲۶

مرحوم ملاعینین شاورزیان کی از تجارندی و روشکار شور

بودند در نهاد آنرخوم را بیرون خوشاوندان و بازماندگان قید رسید

و خانواده های محترم شاورزیان - هلق مدغی - رضوی - هفرداد

کرامتی بخصوص آقایان احمد - محمود و محمد لش و روزیان فریدن آن

مرحوم تسلیت می کنند.

با کمال نثار و تأسف بدین و سه باطلع کله فایل و آشنا زمانه می ساند

که آقای محمد میربد منعی در تاریخ ۱۱۷۱۲ در شهری دار غایب

پرورد گفته است مس- سو- نو- دار آنرخوم در منزل آنرخوم میر نماید.

آ- ۱۱۶۷۲ قاطعه های هر دویست هفده هزار آن-

با نهایت تأسف نهاده های اتفاق اتفاق نهاده های اتفاق اتفاق

را باطلع خوشاوندان و دوستان و شایان آنرخوم میر نماید.

هزینه مجلس ترمیم صرف امور خیر به خواهد رسید.

نجم الدین عراقی - سید جواد و حبیب تهرانی - سرگرد

صبح کازرونی - احمد امان - حسن برهان - حسین - و مرتضی مصطفوی

محمد امان - او القاسم امان - شمس الدین نجم عراقی

آ- ۱۱۷۵۴

با کمال نثار قوت باروی سه باطلع کله فایل و آشنا زمانه می ساند

که آقای محمد میربد منعی در تاریخ ۱۱۷۱۲ در شهری دار غایب

پرورد گفته است مس- سو- نو- دار آنرخوم در منزل آنرخوم میر نماید.

آ- ۱۱۷۶۷ قاطعه های هر دویست هفده هزار آن-

با نهایت تأسف نهاده های اتفاق اتفاق نهاده های اتفاق اتفاق

را باطلع خوشاوندان و دوستان و شایان آنرخوم میر نماید.

هزینه مجلس ترمیم صرف امور خیر به خواهد رسید.

نجم الدین عراقی - سید جواد و حبیب تهرانی - سرگرد

صبح کازرونی - احمد امان - حسن برهان - حسین - و مرتضی مصطفوی

محمد امان - او القاسم امان - شمس الدین نجم عراقی

آ- ۱۱۷۶۷

با کمال نثار قوت باروی سه باطلع کله فایل و آشنا زمانه می ساند

که آقای محمد میربد منعی در تاریخ ۱۱۷۱۲ در شهری دار غایب

پرورد گفته است مس- سو- نو- دار آنرخوم میر نماید.

آ- ۱۱۷۶۸ قاطعه های هر دویست هفده هزار آن-

با نهایت تأسف نهاده های اتفاق اتفاق نهاده های اتفاق

را باطلع خوشاوندان و دوستان و شایان آنرخوم میر نماید.

هزینه مجلس ترمیم صرف امور خیر به خواهد رسید.

نجم الدین عراقی - سید جواد و حبیب تهرانی - سرگرد

صبح کازرونی - احمد امان - حسن برهان - حسین - و مرتضی مصطفوی

محمد امان - او القاسم امان - شمس الدین نجم عراقی

آ- ۱۱۷۶۹

با کمال نثار قوت باروی سه باطلع کله فایل و آشنا زمانه می ساند

که آقای محمد میربد منعی در تاریخ ۱۱۷۱۲ در شهری دار غایب

پرورد گفته است مس- سو- نو- دار آنرخوم میر نماید.

آ- ۱۱۷۷۰ قاطعه های هر دویست هفده هزار آن-

با نهایت تأسف نهاده های اتفاق اتفاق نهاده های اتفاق

را باطلع خوشاوندان و دوستان و شایان آنرخوم میر نماید.

هزینه مجلس ترمیم صرف امور خیر به خواهد رسید.

نجم الدین عراقی - سید جواد و حبیب تهرانی - سرگرد

صبح کازرونی - احمد امان - حسن برهان - حسین - و مرتضی مصطفوی

محمد امان - او القاسم امان - شمس الدین نجم عراقی

آ- ۱۱۷۷۱

با کمال نثار قوت باروی سه باطلع کله فایل و آشنا زمانه می ساند

که آقای محمد میربد منعی در تاریخ ۱۱۷۱۲ در شهری دار غایب

پرورد گفته است مس- سو- نو- دار آنرخوم میر نماید.

آ- ۱۱۷۷۲ قاطعه های هر دویست هفده هزار آن-

با نهایت تأسف نهاده های اتفاق اتفاق نهاده های اتفاق

را باطلع خوشاوندان و دوستان و شایان آنرخوم میر نماید.

هزینه مجلس ترمیم صرف امور خیر به خواهد رسید.

نجم الدین عراقی - سید جواد و حبیب تهرانی - سرگرد

صبح کازرونی - احمد امان - حسن برهان - حسین - و مرتضی مصطفوی

محمد امان - او القاسم امان - شمس الدین نجم عراقی

آ- ۱۱۷۷۳

با کمال نثار قوت باروی سه باطلع کله فایل و آشنا زمانه می ساند

که آقای محمد میربد منعی در تاریخ ۱۱۷۱۲ در شهری دار غایب

پرورد گفته است مس- سو- نو- دار آنرخوم میر نماید.

آ- ۱۱۷۷۴ قاطعه های هر دویست هفده هزار آن-

با نهایت تأسف نهاده های اتفاق اتفاق نهاده های اتفاق

را باطلع خوشاوندان و دوستان و شایان آنرخوم میر نماید.

هزینه مجلس ترمیم صرف امور خیر به خواهد رسید.

نجم الدین عراقی - سید جواد و حبیب تهرانی - سرگرد

صبح کازرونی - احمد امان - حسن برهان - حسین - و مرتضی مصطفوی

محمد امان - او القاسم امان - شمس الدین نجم عراقی

آ- ۱۱۷۷۵

با کمال نثار قوت باروی سه باطلع کله فایل و آشنا زمانه می ساند

که آقای محمد میربد منعی در تاریخ ۱۱۷۱۲ در شهری دار غایب

پرورد گفته است مس- سو- نو- دار آنرخوم میر نماید.

آ- ۱۱۷۷۶ قاطعه های هر دویست هفده هزار آن-

با نهایت تأسف نهاده های اتفاق اتفاق نهاده های اتفاق

را باطلع خوشاوندان و دوستان و شایان آنرخوم میر نماید.

هزینه مجلس ترمیم صرف امور خیر به خواهد رسید.

نجم الدین عراقی - سید جواد و حبیب تهرانی - سرگرد

صبح کازرونی - احمد امان - حسن برهان - حسین - و مرتضی مصطفوی

محمد امان - او القاسم امان - شمس الدین نجم عراقی

آ- ۱۱۷۷۷

با کمال نثار قوت باروی سه باطلع کله فایل و آشنا زمانه می ساند

که آقای محمد میربد منعی در تاریخ ۱۱۷۱۲ در شهری دار غایب

پرورد گفته است مس- سو- نو- دار آنرخوم میر نماید.

آ- ۱۱۷۷۸ قاطعه های هر دویست هفده هزار آن-

با نهایت تأسف نهاده های اتفاق اتفاق نهاده های اتفاق

را باطلع خوشاوندان و دوستان و شایان آنرخوم میر نماید.

هزینه مجلس ترمیم صرف امور خیر به خواهد رسید.

نجم الدین عراقی - سید جواد و حبیب تهرانی - سرگرد

صبح کازرونی - احمد امان - حسن برهان - حسین - و مرتضی مصطفوی

محمد امان - او القاسم امان - شمس الدین نجم عراقی

آ- ۱۱۷۷۹

با کمال نثار قوت باروی سه باطلع کله فایل و آشنا زمانه می ساند

که آقای محمد میربد منعی در تاریخ ۱۱۷۱۲ در شهری دار غایب

پرورد گفته است مس- سو- نو- دار آنرخوم میر نماید.

آ- ۱۱۷۸۰ قاطعه های هر دویست هفده هزار آن-

با نهایت تأسف نهاده های اتفاق اتفاق نهاده های اتفاق

را باطلع خوشاوندان و دوستان و شایان آنرخوم میر نماید.

هزینه مجلس ترمیم صرف امور خیر به خواهد رسید.

نجم الدین عراقی - سید جواد و حبیب تهرانی - سرگرد

صبح کازرونی - احمد امان - حسن برهان - حسین - و مرتضی مصطفوی

محمد امان - او القاسم امان - شمس الدین نجم عراقی

آ- ۱۱۷۸۱

با کمال نثار قوت باروی سه باطلع کله فایل و آشنا زمانه می ساند

که آقای محمد میربد منعی در تاریخ ۱۱۷۱۲ در شهری دار غایب

افسرانی که در جلوی قافلانگوه جنگ کرد و آنرا متصرف شدند

چگونگی سقوط سنگرهای نمودگر ایهار را شرح می‌دهند
در اردیلیا گله اکنون یا شهر نظافتی است، خبر نگار مخصوص مآذقای ابوالحسن احتشامی اطلاعات جالبی از فرماندهان و افسرانی که در قافلانکوه حضور دهند



۴۰۰ که دختر کی سیاه چشم ، گلجهره ، بلند قامت خرامان از همیان سبزه ها
و گلها تکدشت، جند قدم آنقدر فاتح ، کنار نه استاد

باید در کوهها و درهها بگردد تا
پیدایش کند، نه تنهم حاضرین بهینه رسم
و فنار نشان، زیرا تمام این نوعها
و درهها را بهتر از هر کس میدانم
و بقیه دارم موقع خواهم شد
با اینکه از شئونات هر کلمه ای

لر زه بر اندام می‌افزاید و خون در هر قوه
بیوش هی‌آمد بروی خود تیار و ده و با
لیندهن مصوته باز تیریک گفتم و
موقیشان را خنی داشتم .
پس او را باب رفت و من شب ما
و روز های سوختم و می‌ساختم .
کم کماند ورز های قل خود
را به می‌اعتنای و خونسردی عادت
دادم ، دیگر شیری از شنک ندادم
ماند کذتی کوکشیدم او را بینم
و پیچیده با او و در رو شدم .
دیگر نمی‌دانستم قدری
بازی خود را می‌ستند و چنانکه
شنتم به خونسردی من و هالیت
وزدو خورد پیش از باب و سایر
جوانان ده گهکه اعتنای ندارد !
آن روز شنکت ، بالغهند مایعی
کل سرخ را من بخشید و در حالیکه
رنگ پیهار ایشون بیرون که که همان
کل سرخ شده بود گفت :
- نظر طلبی

زدان باشد تامعشوک رأیا بد
ش داده است در میان درهای قشنهک
دل های حاس و شور بیده بسیار است
های دلباختگان این سرزین
را کاهد از زبان مردی روستائی
د دختر ک لری که قلب خوین
در ارباب دهکده، بر هد
آن لشکاره آن دهکده

بیش از پهار دفنه سکون
کرد. میخواست هنری بگوید ولی
نمی توانست اسرش پایانی بود، گیوان
سماهندروی پیشانی ایل و مینی کشیده
و پشتمن خارش را کارکه بود.
بالآخرها بر عارضه ذمتن دیواره
اب پسین کشود.

ناظر علی ۰۰۰ من ی خواستم
فردا یک چای خلوت یاتو صحت کنم
دست و پای خود را نم کردم،
مسکه در میان چو انان دهکده، بخوب
حروف زدن و سریان داری مشهور
بودم، پسکاره لکنت زبان کرفتم و
جز یک کله تو نتوانستم پیزی کیوکیم؛
سیار خوب است

لخندی زد و لکت داشت
— خوب، فردای قابل آذوقه
کنار چشم، بالا

خدادا آتش تا میان حسنه یاک لعنه
خوا بیدم، با هزاران اندشه دست به
گریبان سودم.
آغاز آن آتش چه شب در اویز بود
هر چیز پاسان نگاه میگردم که این را
سپیده شنیده بدم، ستوان گسان هنچنان
جلوه فوی میگفولو بودند، مثل ایشکه
هه آنها بین میگردندند و مردا موردن
تیمسخر فرق او میدانندند.

علاوه بر اینکه در زیارت و جاهات
زباند عدم بود در مهات و اخلاق
عفت و با ندامن ، اکار و کوشش شق
دختران دهکر محسوب شد ۱

تمام جوانان دشنهای آرزو
داشتند در دل «فشنگ» جانی
برای خود بست آورند، ولی
او بهیچکسی اعتنا نداشت
وقتی پیرزن های ده از شوهر
آینده او صحبت میکردند ،
رلتش چون بر لشگل سرخ میشد
و می گفت :

« رای من هم هیچ خوشبختی
و سعادتی بهتر از تماهن سعادت
و اداره زندگی پدرم را به از ها
من ایک این خنده جوان نمیر وشم
شناه ریبنده جوان نمیر ایاد
من هنوز و صحبت مادرم را بیاد
دارم در حایله خون چشمانش
را فر اگر قته بود ، بالان بن
میگفت :

« پدرت را فراموش نکنی
از او نگهداری کن » بای ، هن
تا پدرم هست ، هیچگس را
دوست ندارم »

بیچاره عاشقی پاید صاحتها در گودها و دره ها مرگ
لرستان بامناظر زیبای خود، عثاق فر او از در آغوش خود بربر و
و گوشهای سرسیز و دهکده های خوش نظر این سرزمین
دانسته ای، غم انگیز و عجیبی از عشق بازی ها و ناکامی
مرهوز، می شنود و امروزیکی از این دانسته ای همه چیز
است، خواهید خواند، این دانستان شرح عشق و سر نوش
خود را تقدیم عاشق شفیقه ای میکند تا از جو
ای دانسته را خس کار می آفی، حسن و امتنان ۱۰۰٪ اعیان خود

ایکاچان تهنا این مع-امان را
داشت، «تشنگ» با اینسته تمام جوان
که او را از ل و جان دوست داشت
از انتقام بود و هیچکار مان آن
بکشتو در غار سپرید.

در شنن ها، در هر روسی هاچوی
و قصیده، مانند همه دختران دست در

من اسراو شا را یکسی بگوییم
- پس اوش نم، ومهرو ای زار
من نشستن درا میر بدم، او این بند
بیزار و مغور بهیچ قصت حاضر نداشت
تا پدرش زنده است ازدواج کند
نهنم تاچار پیده متول شد
امدنا راشت، احصار کرد و داد
مود که دشتر احصار بازدواجه سایه
من باوشت کنم:
- پسی و دادار بازدواجه باشد
کفت
- ۴: چون دردها رسم ایضا
که هر کمی دستتری وا دوست داشت

خطر ناک میزندند، تا مسکر دن آن
دخترک با تدل و همرو را با ای راز
شجاع شهامت که میشه بدست اوردن
دل دختر ای دهن است، هنات آرسه
یا ای
به سیار جوانان له در راه
شق ایشان ای ای ای ای ای ای ای ای ای
ماقش شدن و ما ساقی دست در
آخشون مرک بر دند.

من نشستن ایکویم و شا نشستن
س شنیده ای و لی ایکشان ناش زبردست
و یا هاشمی خوبیده یو دم تا آچه

دوسه روز است
پیاد گذشته ها پیاد
آن روز های بر سعادت
غرق در اندیشه های
کو ما دون هستم
روزی را پیاد می باورم
که در میان همین
مزده از خود
آ-، از رنج در حس
و آن کتاب سوزان
خالص شده و روی
شتن دست و روی
خودو لر فتن و ندو
نشته بودم ها م
خوشی داشم ، بهجی
و چه می دانستم
آن بندۀ به سر نوشی
را بر این تخت ندو
است نه از عشق
خبری داشتم و هاز
مهرب و بعثت اختری
در نلبم بود ، هر ۱۱
منهم می نند سایر
جهونان دهکده از
هان روز های
کود کی طاقت بودم ،
اما له آن عشق !

مجاہدین خمسه در اشغال
 سنگرهای قافلانکوه
 پیشقدم بوده اند
 در جئین چگونه تصرف شد؟
 حمله شبانه و سریع نیروی چریک بارقه اهات قافلانکوه



این دو تن از فداییان هستند که از آستارا بخاک سوری
رفته و اخیراً بایران باز نشته‌اند.

ایستگاه سرچم را که میر بزمی همیز
و سینه غافل‌انکوه می‌باشد تسبیح و پلکان
و نوروز آباد عقب می‌شیند.
ستون طین دستور غورا باسکانی
ایستگاه سرچم و چین بر قرار شده
عمل فرماده ستون در قره بوته با
من مانده
این ستون بنا بدستور شهران
دو زاده آذربایجان منطقه متوجه
می‌گردید.
در ساعت ۱۷ این وزت متوجه
تحت فرماده بانپرداز کشیده باید
و مریض بوده از منطقه رجین خود
وابالیوی تویلهان و خیباره به طرز
غافل‌انکوه خود کشیده بودند.
پاکه دوستون بوده بارگاه
قدایان و دمکرانه مواجه می‌گردید
و لی بالانه رسماً رسماً بیک و تم بامداد
جلوداران ستون پنهان غافل‌انکوه
متاران غایع دارد میرسد و سواران
ذوق‌الفارقی تحت نظر سر کرد بختی
یا بن چه میرستند.

دشتر از دیل اطلاعات فراوانی
ماره عملت مجاهدین در جنگ با
کراپها اوقدایان بدت می‌آید.
از شهر ائون اغلب از افسرانی
ز حمله بقايانکوه شر کت داشتند
بیان، طلاقه سکنند. من و ساروان
هدوی و ستوان پیکم کلمی چشم دن از
اکدک در این عملیات شر کت داشتند
ذوق‌الفارقی زیرها پدست از ورم
کاتان من گفتند که سر از آنکه
اران دو القایی تحت سر بر سری سر گرد
بیمار از درس فقره قوش و از اینها
»لوسالار« سه فرسنگی هزار تیمان
گفتند سواران امید اشخای ویشی و
سلمه‌دار باشی تحت فرماده‌ی
هشت بانپرداز (خیرآ) بدرجه سرتیپی
آل شده طرف «سباس» رفته و
پرداز را در آن قریه بفرینید.
این ستون در تاریخ آذربایجان
بورزا ترک و «اقلیت» می‌ورد و
ذوق‌الفارقی ۷ از دورقه (کوسالار)
سواران ذوق‌الفارقی ملحق می‌گردید.

دو حمله از رچنجه‌ها نیز روی پیغمبر اورد
تقسیم شده و دید بین طبق :
۱- نیروی ناقص‌الفاوی تحت نظر سرتیپ
سرگرد پشتیار.
۲- نیروی امیر اشاری تحت نظر
ستوان یکم فانی.
۳- سوار نظام ارتش تحت نظر
سر هنرخان پرنوی.
پیش در صورتی پیغامبر اورد
بنین تاریخ مجاهدین شمسه پیش
راران ذواللقاری - امیر اشاری
پیش اسلحه دار باشی تحت نظر سرتیپ
منذر - سرتیپ منصوری - ستوان
پیش کانی و پژوهند - دیگر از افسران
شش آماده حمله کنندگو
خود را ورز شنیه ۹ آذر این نیرو
میلیات اشغالی برداشته و سنه شنبه
پیغمبر اورد «قره بونه» ی گردد در

نهایات در این جنگ می‌باشد
نه مسائل سبک و تعداد زیادی تفنگ
نموده بدهد، منظمه حسنه و رجهیون و
ستوان سوم مصطفی شیر امینی
فی ذلت آشنا



